

نقشه نجات

سقوط آدم فضای آسمان را محزون ساخت. دنیائی که خدا آفریده بود در اثر گناه ملعون گردید و اهالی آن دچار مشقت و مرگ شدند. و هیچ راه نجاتی بنفع متخلفین بنظر نمی رسید. حتی فرشتگان از سرائیدن ترانه های پر سپاس خود باز ایستادند. سقوط انسان در سراسر کائنات موجب غم و اندوه گردید.

قلب رئوف و مهربان فرمانروای کائنات نسبت به جهان گمشده و بشر گناهکار ترحم فرمود و از روی محبت نقشه ای برای نجات بشر طرح فرمود. جریمه نقض شریعت خداوند از دست دادن جان گناهکار بود و در تمامی کائنات فقط یکی از عهده این دین میتوانست برآید. از آنجائیکه شریعت الهی مثل خود خدا مقدس است تنها فردی که بتواند کفاره تخلف شریعت را بدهد خود خداست. فقط خدای خالق می تواند انسان خاطی را از محکومیت خلاصی بخشیده دوباره لایق آسمان گرداند. خدا قصور و شرم گناه را به عهده گرفت تا عمق مشقت بشری را دریافته او را نجات بخشد.

نقشه نجات بشر قبل از خلقت انسان طرح گردید. مسیح بره ایست که قبل از بنای عالم ذبح شده بود.^(۱) مع الوصف جرم گناهکار چندان ناچیز نبود ولی "خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد." ^(۲) سر نجات محبت خدا نسبت به جهان نیست که او را دوست نداشت. که میتواند عمق چنین محبتی را دریابد؟ در

ادوار بی انتهای ابدیت مغزهای لایموت موقعیت مناسبی برای درک اسرار این محبت عظیم خواهند داشت.

"خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می داد." (۳) انسان بقدری در گناه فرو رفته بود که خود به تنهایی محال بود با مظهر پاکیزگی و نیکی همجواری گردد. ولی مسیح پس از نجات انسان از یوغ گناه توانست قدرت الهی بوی بخشد تا بتواند با شرارت مبارزه کند. بدین ترتیب با توبه و ایمان فرزندان گناهکار آدم می توانند مجدداً فرزندان خدا گردند. (۴)

برای نجات انسان میباید قربانی عظیمی داده شود. اظهار طرح نقشه مذکور توسط مسیح خوش آیند فرشتگان نگردید زیرا توجه آنان به قسمت گزافی که نسبت نجات انسان داده می شد معطوف گردید. با تعجب و حزن کلمات وی را شنیدند. مخصوصاً موقعیکه توضیح میدادند که چگونه باید پاکیزگی و صلح و آرامش و شادمانی و جلال و لایموتی را ترک کند و با آلودگیهای جهان همراه با تحمل غصه و شرم و مرگ همجواری گردد باعث حزن و تعجب فرشتگان گردید. قرار بود حائل گناهکار و جرم گناه گردد در صورتی که آگاه بود بسیاری او را نخواهند پذیرفت. مقام عالی آسمانی خود را ترک کرده در بین مردمان حلیم و افتاده خواهد زیست تا با مشقات و تجربیات بشری آشنا شود. این همه لازم بود تا تجربه شدگان را اعانت فرماید. (۵) قرار بود در انتهای دوره تعلیماتی خود بدست مردمان شریپر سپرده شود و متحمل هر توهین و شکنجه ای که شیطان ایجاد میکند گردد. میباید دچار ظالمانه ترین مرگها گردد و در بین زمین و آسمان در جای شریبترین گناهکاران آویخته شده ساعتی طولانی شکنجه صلیب را که حتی ملائکه توانائی آنرا نداشتند متحمل گردد. هنگامی که جدائی از جلال آسمانی او را شکنجه میداد باید متحمل سنگینی بار گناه جهانیان گردد.

فرشتگان به حضور وی سجده کرده آمادگی خود را برای این فداکاری بجای وی اعلام داشتند ولی این کافی نبود. فقط آن که انسان را آفریده میتواند او را بازخرید نماید و نجات دهد. با اینحال فرشتگان در آینده سهمی در نجات بشر خواهند داشت. بنا بود مسیح "توسط مرگ اندکی کمتر از فرشتگان گردد." (۶) آنان فیض یافتگان را از قدرت فرشتگان شریب و از ظلمتی که شیطان در اطرافشان کسترده بود محفوظ می داشتند.

هنگامی که فرشتگان شکنجه و خفت مسیح را مشاهده کنند محزون ولی خشمناک تلاش خواهند کرد تا ویرا از چنگ قاتلاننش آزاد سازند ولی آنان اجازه دخالت در این امور را نداشتند زیرا نقشه نجات بشر چنین طرح شده بود و مسیح تحمل همه این بلاها را بخاطر رستگاری بشر تقبل نموده بود.

مسیح فرشتگان را اطمینان خاطر داد که توسط مرگش ابلیس را که مسبب مرگ است هلاک نموده، ملکوتی را که انسان در اثر گناه از دست داده بود دوباره بدیشان باز گرداند تا مؤمنان بار دیگر مالک دائمی آن گردند. آسمان و زمین از وجود گناه و کناهکار پاک گردیده آرامش و سلامتی سراسر آنرا در بر گیرد. سپاهیان آسمانی را دستور داد تا با نقشه نجات همکاری کنند و بخاطر مرگ وی که باعث پذیرش بشر سقوط کرده در نظر خداوند است شادمانی کنند.

آسمان مملو از مسرت عظیم و غیر قابل وصفی بخاطر این رحمت الهی گردید. جلال و تبرک دنیای نجات یافته نمایشگر زحمات و فداکاری سرور سلامتی می باشد. اولین آهنگ سرودی که ماورای تپه های بیت لحم سرائیده شد این بود: "خدا را در برترین آسمانها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد پسند او میباشند صلح و سلامتی باد." (۷) این سرود در دربار سماوی نیز طنین انداز گشت. تضمین نجات بشر توبه کار باعث مسرت عمیقتری شد. "هنگامیکه ستارگان صبح باهم

ترنم نمودند و جمیع پسران خدا آواز شادمانی سر دادند. (۸) زیرا که اهالی کرات از شنیدن مژده نقشه نجات بشر شادمان شدند.

مژده نجات انسان در اولین روز خطایش بوی اخطار گردید. وقتی خدا جرم شیطان را در باغ عدن اعلام کرد، فرمود: "وعداوت در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم. او سر ترا خواهد کوبید و تو پاشنه ویرا خواهی کوبید." (۹) اخطار این فرمان برای والدین نخست روزنه امیدی برای آینده بود. گرچه در این پیام عداوت بین شیطان و انسان اعلام گردید، چگونگی پیروزی انسان در این مبارزه تأیید گردید. آدم و حوا چون محکومان در دادگاه یکتا قاضی عادل منتظر اجرای فرمان حکم اعدام خود بودند ولی قبل از اینکه به سرنوشت شوم، یعنی بازگشت بخاک دچار شوند الفاظ امیدبخش حیات بگوششان رسید با اینکه در مقابله با دشمن سرسخت دچار زحمات طاقت فرسائی میشدند ولی پیروزی نهائی از آن آنان است.

وقتی شیطان شنید که عداوت بین خودش و زن، بین ذریت خودش و ذریت زن، باید ادامه یابد و متوجه شد که کار نباه کردن بشر متوقف شده و به نحوی انسان مالک قدرتی خواهد شد که بتواند با وی مقاومت کند و از طرف دیگر وقتی نقشه نجات برایش آشکارتر شد که مسیح را بمرگ خواهد کشاند بسیار خوشحال گردید. او تصور میکرد که نقشه اش برای انهدام بشر تا این لحظه موفقیت آمیز بوده است. و هر گاه مسیح برای نجات بشر طبیعت انسانی بخود گیرد وی را نیز شکست خواهد داد. بدین ترتیب شکست و نابودی نهائی بشر تضمین خواهد گردید.

فرشتگان مقدس نقشه نجات نوع بشر را کاملاً تشریح نمودند. به آدم و همسرش اطمینان خاطر دادند با وجود اینکه مرتکب گناه شده بودند تنها وبدون

کمک در چنگال شیطان باقی نخواهند ماند بلکه مسیح با قربانی کردن جان خود کفاره گناهان آنان را خواهد داد. مدتی برای آزمایش ایشان منظور خواهد شد در صورتیکه در این زمان از گناهان خود توبه کرده ایمان آورند میتوانند بمقام از دست رفته نخستین خود دوباره دست یابند.

فداکاری عظیمی که بخاطر خطای آدم و حوا میباید انجام پذیرد ماهیت مقدس شریعت خدا را برایشان مکشوف ساخت. در اینجا متوجه محرومیت گناه و نتیجه شوم آن گردیدند لذا با عجز و لابه استدعا کردند که چنین تنبیهی بر او که از روی محبت سرچشمه شادیهایشان بود اجرا نگردد بلکه باشد که خود و نوادگانشان مستوجب چنین عقوبتی گردند.

از آنجائیکه شریعت خداوند اساس حکومتش بر آسمان و زمین است حیات یک فرشته نمیتوانست کفاره آن را نماید. از طرف دیگر حتی تغییر یا تبدیل احکام الهی نمیتوانست اثر مثبتی در حال انسان گناهکار نماید زیرا این قدرت تنها در مسیح که خود خالق بود وجود داشت. همان طوری که خطای آدم ذلت و مرگ را ببار آورد همان طور نیز فداکاری مسیح حیات و لایموتی را بر قرار خواهد گردانید.

نه تنها انسان بلکه کره ارض در چنگال قدرت شریر دچار گردید و میباید توسط نقشه نجات از آن خلاصی یابد. در موقع آفرینش آدم بر تمامی جهان حاکم گردانیده شد و لی در اثر شکست، خود و همه دیگران اسیر شیطان گردیدند. آدمی برده هر چیزی است که او را مغلوب خود ساخته است. (۱۰) از همان لحظه ایکه انسان اسیر شیطان گردید حکومت وی نیز از آن شیطان شد و بدین ترتیب شیطان "خدای این جهان" (۱۱) گردید. شیطان حکومت انسان را غصب کرد ولی مسیح با پرداخت جرم گناه نه تنها انسان را از مرگ دائم نجات داد بلکه

حکومت غضب شده ویرا نیز باو باز گردانید. همه اینها توسط آدم دوم یعنی مسیح باز خرید شد. نبی میگوید "و تو ای برج گله و ای کوه دختر صهیون این بتو خواهد رسید و سلطنت اول یعنی مملکت دختر اورشلیم خواهد آمد." (۱۲) پولس رسول نیز در عهد جدید میگوید که "روح خدا ضامن آن است که ما آنچه را او به قوم خود وعده داده است خواهیم یافت." (۱۳) خداوند دنیا را جهت سکونت موجودات مقدس و خرسند آفرید. "زیرا بیهوش آفریننده آسمان که خدا است که زمین را سرشت و ساخت و آنرا استوار نمود و آنرا عبث نیافرید بلکه بجهت سکونت مصور نمود." (۱۴) این مقصود عبث نبود بلکه به حقیقت خواهد پیوست. هنگامی که زمین به قدرت الهی از گناه و اثرات آن پاک و منزّه گردد منزله ابدی نجات یافتگان خواهد گردید. "صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود." (۱۵) "دیگر چیزی که ملعون شده باشد در آن یافت نخواهد شد. تحت خدا و بره در آنجا خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود." (۱۶)

حضرت آدم در زمان معصومیتش با خالق خود آزادانه گفتگو می کرد تا آنکه گناه بین آنها حائل گردید که کفاره مسیح آن رابطه را مجدداً برقرار ساخت. نوع بشر در حال حاضر نمی تواند مستقیماً با خالق خود ارتباط داشته باشد ولی این امر توسط مسیح و ملائکه مقدس امکان پذیر شده است.

بدین وسیله وقایع مهم تاریخ بشری از زمان محرومیت گناه در باغ عدن تا طوفان و ظهور نخست مسیح به آدم الهام شد. بر اینا بشری آشکار است که فدیّه مسیح برای نجات تمام دنیا کافی است ولی بسیاری راه گناه و آلودگی های آنرا بر اطاعت ترجیح می دهند. در ادوار آینده بر جنایات افزوده شده و لعنت گناه بیشتری بر جهانیان و بهایم مستولی می شود. به علت روش انسان از مدت عمرش

کاسته شده، قامتش کوتاه، نیروی دماغی وی ضعیف و زندگی وی مملو از انواع بدبختی ها و زحمات خواهد بود. ولی با این وجود مسیح بخاطر علاقه مفرطی که به بشر داشت آسمان را ترک کرد و سعی در التیام بخشیدن ضعفها و کمبودهای ایشان نمود تا آنان را بدرجه از دست رفته خود باز گرداند. وی تمام نیازهای آنانیکه بوی ایمان آورند بر آورده خواهد ساخت. با وجود این فقط اقلیت معدودی شریعت خدا را حفظ خواهند کرد تا از شرارت خانمانسوز جهان مصون باقی بمانند.

مراسم قربانی از طرف خداوند به انسان داده شد تا یاد آور گناه وی بوده همچنین معرف ظهور نجات دهنده وی باشد. قرار بر این بود که این قربانیها واقعیت مرگ یعنی مولدگناه را در نظر بشر مجسم سازد. برای آدم ذبح اولین قربانی کار بسیار دشواری بود. میباید دست خود را برای گرفتن جان جاننداری که فقط خالق دهنده آن جان است بلند کند. اولین بار بود که مرگ را مشاهده میکرد و متوجه شد اگر خود را بگناه آلوده نکرده بود نه او و نه هیچ جاننداری به مرگ محکوم نمیشد. در حالیکه بره بی گناه را قربانی میکرد بر خود لرزید زیرا متوجه شد گناه وی مسبب اصلی قربانی شدن بره خدا میباشد. این منظره وخامت و خطرگناه را در نظرش مجسم ساخت و متوجه شد که فقط قربانی مسیح خدا می تواند کفاره آن باشد. اعطای چنین فدیة ای بخاطر گناه بشر شکفت عظیمی در آدم بوجود آورد. آنگاه نور عظیمی ظلمت آینده ای که جانش را در سرگرفته بود ر ساخت و نا امیدى مطلق به امیدى قطعى مبدل گردید.

ولی نقشه نجات مقصود عمیقتر و وسیعتری را وراى نجات انسان در پی داشت. فقط برای نجات بشر نبود که مسیح به دنیا آمد. هدف وی فقط اهالی این ت شریعت خدا را بیاموزند، بلکه میباید تمامی

جهان به اصالت عدل الهی پی ببرند. مسیح قبل از مصلوب شدن خود فرمود: "اکنون موقع داوری این جهان است و حکمران این جهان بیرون رانده میشود. وقتی از زمین بالا برده میشوم همه آدمیان را بسوی خود خواهم کشید." (۱۷) مرگ مسیح بر صلیب خشن برای نجات بشر نه فقط انسان را به آغوش آسمانها بر میگردداند بلکه عدالت خدا را در مقابله با شورش شیطان بر جهانیان آشکار خواهد گردانید و دلیلی بر دوام شریعت خدا بوده و همچنین طبیعت و نتیجه گناه را آشکار خواهد ساخت.

از ابتدای آشوب شیطان جدال وی در مورد رد شریعت خدا بوده است. هدف شیطان آن بوده که عدالت خدا را معکوس و شریعت وی را ناقص معرفی نماید بنابر این باید در آن تجدید نظر شده بخاطر نوع بشر آنرا تغییر داد. حمله شیطان بر علیه شریعت این بود که قدرت مؤلفش را تسخیر کند. در مبارزه بزرگ آشکار خواهد شد که آیا شریعت الهی ناقص و تغییرپذیر است یا کامل و تغییرناپذیر.

شیطان پس از اخراج از آسمان مصمم شد مالک دنیا شود. وقتی که آدم و ر کرد به هدف خود رسیده است، "چون مرا صاحب خویش اختیار کرده اند." ادعا کرد مغفرت ایشان از محالات است بنا بر این خود را مالک بر حق بشر مرقد میدانست. ولی خدا با طرحی ماهرانه با قربانی نمودن مسیح جرم گناه بشر را پرداخت تا راهی برای بازگشت بشر به عدن باز شود. مسیح بازخرید بشر گناهکار را به عهده گرفت تا توبه کاران را از چنگ شیطان خلاصی دهد. مبارزه بزرگ که در آسمان شروع شد در مزرعه جهان یعنی در محیطی که شیطان غصب کرده بود باید خاتمه یابد.

کائنات سماوی از فداکاری مسیح تعجب کردند. اهالی بیگناه کرات معصوم

نجات را درک کنند. چطور ممکن بود او که از یک ستاره به ستاره ای، و از کره ای بکره ای دیگر رفته و مایحتاج طبقات مختلف مخلوقات را نظارت میکند نیازهایشان را برآورده میسازد جلال سماوی را ترک کند و شکل بشریت بخود گیرد؟ وقتی مسیح در جسم بشر وارد جهان گردید فرشتگان مرحله بمرحله از گهواره تا جلجتا مرارت و زحمات و توهین هائی که بوی روا میداشتند نظارت میکردند و خوب میدانستند که محرک این همه شیطان است. فرشتگان کار مؤمنین را نیز یادداشت کرده وفاداری آنان را در مقابل ظلم و شکنجه های شیطان تحسین میکردند. مبارزه بین نور و ظلمت شدت یافت و هنگامی که مسیح بر صلیب گفت "تمام شد" (۱۸) فریاد مظفرانه در سماوات بلند شد زیرا شیطان مغلوب گردیده بود. مبارزه بزرگی که مدتها ادامه داشت قطع و موفقیت مسیح قطعی گردید. مرگ او ثابت کرد که محبت خدا نسبت به بشر آنچنان بود که بخاطر وی چنین فداکاری را انجام داد. در مقابل خصلت دروغین شیطان آشکار شد و معلوم کردید که قاتل است. مسجل شد اگر حاکم سماوات گردد با همان خوی درنده اش با فرشتگان نیز رفتار خواهد کرد. همه کائنات هم آهنگ مدح و ثنای حکومت الهی را سرآیدند.

اگر ممکن بود تغییراتی در شریعت بوجود آید انسان بدون قربانی مسیح نجات می یافت. ولی ضرورت فداکاری مسیح ثابت می کند که شریعت خدا خطاکار را بی سزا نخواهد گذاشت. ثابت شد که مزد گنا موت است. مرگ مسیح هلاکت شیطان را حتمی الوقوع گردانید. بسیاری چنین میپندارند که شریعت خدا در هنگام مصلوب شدن مسیح منقضی شده است. اگر این ادعا درست باشد دعوی شیطان هم علیه حکومت خدا صحیح جلوه میکند. حقیقت اینست که مسیح متولد شد که بخاطر گناهان بشر قربانی گردد و همچنین بر همه ثابت گردد که شریعت

خدا تقییر ناپذیر و خدا رحمن و رحیم و عادلست، و این که عدالت و رحمت
وی در حکومت الهی در هم آمیخته است.